

[www.kandoo.cn.com](http://www.kandoo.cn.com)

به نام دوست که هر چه هست از اوست

**عنوان تحقیق :**

# **قرآن ، کلام جاودانگیا**

[www.kandoo.cn.com](http://www.kandoo.cn.com)

.....

[www.kandoo.cn.com](http://www.kandoo.cn.com)

[www.kandoo.cn.com](http://www.kandoo.cn.com)

[www.kandoocn.com](http://www.kandoocn.com)

تقدیم نامه :

تقدیم به آخرین قرآن مجسمه

حضرت بقیه ا... الاعظم امام زمان (عج)

[www.kandoocn.com](http://www.kandoocn.com)

[www.kandoocn.com](http://www.kandoocn.com)

[www.kandoocn.com](http://www.kandoocn.com)

## چکیده مطلب:

درباره قرآن کتابهای زیادی نوشته شده است. محققین و نویسندگان قرآن را از جنبه های مختلف اجتماعی، سیاسی، اخلاقی، ادبی و ... مورد بررسی قرار داده اند و هر یک از زاویه و یا زوایایی به قرآن نگریسته و هر کدام از آنها نکات جالبی را از قرآن به دست داده اند.

این مجموعه به اطلاعاتی جالب و خواندنی درباره قرآن مجید این کتاب آسمانی ما مسلمانان و معجزه جاودانی رسول اکرم اشاره می کند. مطالبی که هر کس دوست دارد به عنوان علوم قرآنی از آن مطلع باشد، البته گمان نکنید تمام نکات جالب قرآن در این تحقیق آورده شده است، بلکه باید عرض نمایم مطالب این جزوه قطره ای از دریای بیکران قرآن می باشد. همانگونه که نمی توان سر عالم هستی و سیر حیات در آن را در کتابی توصیف نمود، عظمت قرآن را نیز نمی توان در کتابی باز نوشت، مضاف بر این که با دانش کمی که پیشتر دارد چگونه می تواند به رموز عالم هستی و همچنین به تمام رموز و نکات قرآن پی ببرد و آن را بازگو نماید؟

## مقدمه

قرآن کتاب هدایت و انسان سازی و برنامه زندگی انسان و به ویژه یک مسلمان است. شایسته است از سنین کودکی و نوجوانی، زمینه های آشنایی و بهره وری از آن را برای تمامی انسانهای جامعه فراهم آوریم. دانش آموزان باید علاوه بر یادگیری قرائت قرآن که در دروس تعلیمات دینی و قرآن می آموزند، به صورتهای گوناگون با کتاب خدا آشنا و مأنوس گردند. برای این منظور لازم است، زمینه هایی فراهم آوریم که همراه با درک عظمت این کتاب الهی، بیاموزند که این کتاب باید به عنوان معلم و راهنمای صدیق و همیشگی در زندگیشان حضور داشته باشد.

این جزوه در واقع برای رسیدن به هدف فوق یعنی شناساندن قرآن به نوجوانان و جوانان تهیه شده است. به طور کلی اهم اطلاعات مقدماتی را که شایسته است، یک مسلمان از کتاب دینی و الهی خود داشته باشد را در اختیار شما عزیزان قرار می دهد و باشد که انس با قرآن، مقدمات حرکت و هدایت آدمی را در صراط مستقیم، دوری از رذائل و آلودگی ها، شکوفا شدن استعدادهای عالی روحی و ملکوتی و رسیدن به مرحله کمال انسانی را آسان سازد.

پس شایسته است که دقیقه ای را فرو نگذاریم و از این سرچشمه پاک و گوارای الهی دل و جان خویش را سیراب نماییم.

امید است با مطالعه این تحقیق، اطلاعات سودمندی را در زمینه قرآن به دست آورید و آغازی باشد برای مطالعه، درک و شناخت و عمل به دستورات قرآن.

## فصل اول

### قرآن به چه معنی است؟

قرآن در اصل به معنی خواندن است. پس قرآن کتابی خواندنی است باید آن را خواند و در معنایش دقت و تدبیر نمود. بعضی ها در اصل به معنی جمع گرفته اند که اصل (قرء) به معنی جمع است در این صورت می توانند بگویند قرآن یعنی جامع حقایق و فرموده های الهی و نیز گفته اند از آن جهت قرآن نامیده می شود که سوره ها را جمع نموده آنها را به یکدیگر می پیوندد.

### قرآن شناسی :

بدون تردید قرآن بزرگترین و آخرین کتاب آسمانی است که بر پیامبر اکرم اسلام، خاتم پیامبران حضرت محمد بن عبدالله (ص) نازل شده است. و بدون تردید وقتی ما می توانیم از قرآن که بزرگترین و عمیقترین کتاب انسان سازی است بهره مند شویم که آن را بشناسیم، و بهترین راه شناخت، آن است که موضوعات آن را جدا جدا مورد بررسی قرار دهیم و با تجزیه و تحلیل عمیق، به اهداف آن دست یابیم. هدف اصلی قرآن، هدایت بیشتر به سوی تکامل است، هدایتی که در پرتو آن، رحمت همه جانبه مادی و معنوی برای انسانهای با ایمان به دست می آید، چنانکه در آیه ۵۷ سوره یونس می خوانیم:

یا ایها الناس قد قاتتکم موعظه من ربکم و شفاء لما فی الصدور و هدی و رحمہ للمؤمنین ؛  
ای مردم! اندرزی از طرف پروردگارتان برای شما آمده است، و درمانی برای آنچه در سینه  
ها است (شفای دل‌های شما) و هدایت و رحمتی است برای انسانهای با ایمان.

در این آیه ، قرآن بعنوان موعظه (نمر کننده مزرعه دل برای کشت بذرهای معنوی) و شفاء و  
درمان بیماریهای معنوی، و مایه هدایت به راه راست، و سرانجام، رحمت همه جانبه برای  
انسانها معرفی شده است.

بنابراین قرآن را باید به این عنوان بشناسیم و بپذیریم که یک کتاب کامل انسان سازی است  
و آنچه در قرآن آمده، همه به نحوی انسانها را به سوی هدایت راهنمایی می کند. تمام آیات،  
جمله ها و واژه های آن در مسیر هدایت و ساختن انسان کامل به کار رفته است، و از آغاز تا  
انجام آن، کلمه ای نمی یابیم که در راستای هدایت و انسان سازی نباشد. از سوی دیگر  
قرآن در مسأله هدایت، یک کتاب کامل است و هیچگونه نقصی در آن نیست. همه ریشه ها،  
عوامل، زمینه ها ، انگیزه ها و نتایج درخشان سعادت و هدایت را بیان کرده است.

[www.kandoocn.com](http://www.kandoocn.com)

[www.kandoocn.com](http://www.kandoocn.com)

## موضوعات متنوع در قرآن:

از آنجا که انسان دارای ابعاد گوناگون است، راههای هدایت او نیز متنوع بوده و ابعاد گوناگون دارد. بر همین اساس کتابی که به عنوان هدایت کامل انسان وضع میشود، باید از همه ابعاد انسان سازی بهره مند باشد.

قرآن یک چنین کتابی است. عوامل و راههای گوناگون هدایت، از عقاید و معارف و اصول و فروع گرفته تا اخلاق و ارزشهای مختلف زندگی را با بهترین بیان شرح داده است و در این راستا از هیچ عامل و قالب سازندگی فروگذار ننموده است از جمله، ارزشها و ضد ارزشها را در قالب داستان، تعیین نموده است.

طبیعتاً یک کتاب کامل انسان سازی نیز باید اینگونه باشد، از یک سو نیروی فکر و اندیشه را پروراند و از سوی دیگر عواطف و احساسات را حرکت بخشد و در آخر راهکارهای صحیح و بهینه را ارائه دهد و همچون دریای ژرفی باشد که دارای همه گونه ذخایر و گنجینه است.

قرآن دارای چنین ویژگیهایی است چنانکه امیر مؤمنان علی (ع) می فرمایند:

همانا قرآن دارای ظاهری زیبا و شگفت انگیز، و باطنی پرمایه و عمیق است. نکات شگفت آور آن فانی نگردد، و اسرار نهفته آن پایان نیابد، و هرگز تاریکیهای (جهل و گمراهی) جز در پرتو آن، برطرف نخواهد شد.

و در مورد دیگر می فرماید:

خداوند سبحان هیچکس را به مطالبی مانند آنچه در قرآن آمده، موعظه نفرموده است. زیرا

قرآن رشته محکم خدا و وسیله امین او است. بهار دلها و چشمه های دانش در قرآن است،

برای قلب و دل جلاء و درخششی جز قرآن نتوان یافت.



## نقش داستان ها در سازندگی انسان

یکی از بخش هام مهم قرآن، داستانهای پیامبران و پیشینیان و حوادث عصر نزول قرآن است، به طوری که قسمت بسیار مهم قرآن به بیان سرگذشت پیشینیان اختصاص یافته است، چرا که:

تاریخ حقیقی - دور از خرافات و هر گونه دروغ همچون آینه صافی است که زشت و زیبا را نشان می دهد، کامیابی ها و ناکامی ها و عوامل و نتایج آنها را، و به طور خلاصه تمام قامت جوامع انسانی را منعکس می نماید.

تاریخ؛ آزمایشگاه مسایل گوناگون است. چرا که آنچه را انسان در ذهن خود با دلایل عقلی ترسیم می کند، آن را در صفحه تاریخ به صورت عینی می یابد و هیچ چیزی مانند تاریخ، نشانگر واقعیات زندگی به طور ملموس نیست.

داستانهای حقیقی، همان فرازهای تاریخ است. تاریخ مجموعه ای از ارزشمندترین تجربیات پیشینیان را برای ما به ارمغان می آورد و به همین دلیل می تواند نقش سازنده و بسیار اثربخشی در تربیت انسانها داشته باشد.

تاریخ یکی از منابع بزرگ معرفت و شناخت است.

اهمیت تاریخ از این نظر است که کمتر حادثه ای را در زندگی امروز میتوان یافت که نمونه هایی از آن در گذشته نباشد، زیرا تاریخ همواره تکرار می شود و سعادت و شقاوت را به روشنی نشان میدهد.

قرآن که یک کتاب کامل تربیتی است، از تاریخ زندگی پیشینیان، که وسیله مهم هدایت است، حداکثر استفاده را می نماید، و با نشان دادن الگوها، در اعماق عواطف نفوذ می کند و موجب تغییر و تحول می شود.

قابل توجه اینکه: داستانهای قرآن، در هر مورد، از بهترین نمونه ها استفاده کرده، و ریشه ها و عوامل و نتایج را همراه خود بیان نموده است و در نتیجه عالیتین درسهای ملموس و روشن را می آموزد.

هدف قرآن از ذکر داستان ها، داستان سرایی و سرگرمی نیست، بلکه از جاذبه داستان که دارای کشش ویژه ای است استفاده کرده، تا اندیشه ها را بارور سازد و موجب عبرت و تحول گردد.

[www.kandoo.cn.com](http://www.kandoo.cn.com)

[www.kandoo.cn.com](http://www.kandoo.cn.com)

[www.kandoo.cn.com](http://www.kandoo.cn.com)

## فصل دوم

### مبدأ و منشأ نزول قرآن

خداوند در آیاتی از کتاب خود، اصل نزول قرآن و مبدأ نزول آن را که همان اسمهای نیکوی الهی است بیان فرموده که بخش عمده‌ی این آیات به هفت سوره‌ای گفته می‌شود که در آغاز آنها حروف مقطعه‌ی «حم» آمده باشد. این شروع مشترک، نشانگر مضمون مشترک و هدف ویژه‌ای است که این سوره‌ها دارند. سرآغاز این سوره‌ها، بیان تنزل وحی، دریافت وحی و محتوای اجتماعی وحی است.

افزون بر این هفت سوره، در سوره‌های دیگر مانند «واقعه»، «آل عمران» و «علق» نیز به مسئله‌ی منشأ و مبدأ نزول قرآن اشاره شده است که نخست به ذکر آیات کریمه‌ی آن سوره‌ها می‌پردازیم.

آمدن اسمهای نیکوی الهی در آیات قرآن کریم، براساس ارتباط موضوع مطرح شده با آن «اسم» است. اگر در آیه‌ای «الرحمن الرحیم» آمده و در آیه‌ی دیگر، «شدید العقاب» «مجازات او شدید است» به دلیل تناسب آن آیات با هر یک از این «اسم‌های نیکو» است.

در این آیات کریمه، پیش از بیان نزول قرآن، دو اسم «حی» و «قیوم» برای خداوند که نازل کننده‌ی قرآن است آمده و اشاره به این دارد که نزول قرآن کریم، از مبدأ «زنده و پایدار»

است و می فرماید: آن خدایی که زنده و پایدار است و هیچ معبودی نیست مگر او، قرآن و کتاب خویش را در معیت و مصاحبت حق بر تو نازل نمود.

۲- فرود آمده از طرف خدای «رب العالمین»

خدای سبحان در سوره‌ی «واقعہ» نزول قرآن را از ساحت «رب العالمین» بیان فرموده است:

«أنه لقرآن کریم × فی کتاب مکنون × لا یمسه الا المطهرون × تنزیل من رب العالمین» [۲].

اگر مقصود از «عالمین» در این آیه، جهانها و عالم‌ها باشد، معنای این آیه‌ی کریمه آن است

که قرآن از سوی پروردگار جهانها و عوالم نازل شده و به همین دلیل، هماهنگ با تکوین و

عوامل هستی است. و اگر مقصود از «عالمین»، جهانیان باشد؛ چنانکه در سوره «فرقان» آمده:

«تبارک الذی نزل الفرقان علی عبده لیكون للعالمین نذیراً» [۳]، در این صورت، معنای آیه

این می شود که قرآن کریم، از سوی پروردگار جهانیان نازل شده و از این رو برآورنده‌ی

نیازهای همه‌ی انسانها در همه‌ی عصرهاست و فطرت آنان را شکوفا می سازد.

## جایگاه نزول قرآن

در سوره‌ی «علق» و در آغاز بعثت و رسالت رسول اکرم (ص) چنین آمده است: «اقرأ باسم

ربک الذی خلق × خلق الإنسان من علق × اقرأ و ربک الأکرم × الذی علم بالقلم × علم

بالإنسان ما لم یعلم». [۴].

در این آیات کریمه مبدأ و جایگاه نزول قرآن، خدای «معلم» و «اکرم» معرفی شده و

می فرماید: ای رسول ما! قرآن را به نام پروردگارت که آفریننده‌ی عالم است، قرائت کن؛

خدایی که آدمی را از خون بسته آفرید؛ بخوان قرآن را که پروردگار تو کریمترین کریمان است؛ خدایی که بشر را علم نوشتن با قلم آموخت و به آدم آنچه را که نمی دانست، به الهام خود تعلیم داد.

خدای سبحان در آیات دیگری از کتاب خود، فرشتگان حامل قرآن را «کرام برره» معرفی می نماید: «فی صحف مکرمه موفوعه مطهره × بأیدی سفره × کرام برره» [۵].

آیات الهی، در صفحات مکرم نگاشته شده است؛ صفحاتی بلند مرتبه و پاک و منزه که در دست سفیران حق و ملائکه‌ی مقرب و عالی رتبه، و با حسن و کرامتند.

در آیه ای دیگر، قرآن کریم را گفته‌ی رسول کریم می خواند که: «أنه لقول رسول کریم» [۶] و در سوره‌ی «واقع» خود قرآن را به وصف «کریم» ستوده، می فرمادی: «أنه لقرآن کریم × فی کتاب مکنون». [۷].

۴- فرود آمده از طرف خدای رحمان رحیم «بخشنده و مهربان»

در سوره «فصلت» که یکی از حوامیم هفتگانه (حوامیم سوره‌هایی که با حا و میم شروع شدند) است فرمود: «حم × تنزل من الرحمن الرحیم» [۸]؛ یعنی این کتاب، از رحمت رحمانی حق نشأت و سرچشمه گرفته و از رحمت رحیمیه خداوند تنزل یافته است. مقصود از این رحمت، رحمت عاطفی نیست؛ زیرا آن رحمت، به دلیل انفعالی بودنش ملازم با نقص

است چه اینکه به جهت عاطفی بودن، نیاز به چیزی دارد که عاطفه برانگیز باشد و احساسات و عاطفه های شخص را برانگیزد و او را به رحمت و اداری نماید.

منظور از رحمت در این آیه ی کریمه و در اسمهای نیکوی الهی، رحمتی است که نقص موجودات را به کمال، ترمیم می کند و ناقص را از طریق هدایت. به کمال خویش واصل می سازد و این رحمت، رحمتی ابتدایی و غیر انفعالی است؛ رحمتی که پیش از خلقت بوده و سبب خلقت است؛ چنانکه به جهت کامل ساختن مخلوق، همراه آن و پس از آن نیز خواهد بود. در بحثهای آینده روشن خواهد شد که هنگام اجتماع دو اسم از اسمهای نیکو الهی مانند حی و قیوم و رحمان و رحیم، ترکیب و با هم بودن آن اسمهای نیکو و ترکیب آن صفات عالی، سهم مؤثری در تنزل قرآن دارد.

۵- فرود آمده از طرف خدای مبارک

در سوره ی «دخان» که یکی دیگر از حوامیم هفت گانه است می فرماید: «حم × والکتاب المبین × انا انزلناه فی لیلہ مبارکه» [۹] و سپس می فرماید: «امراً من عندنا انا کنا مرسلین» [۱۰].

یعنی قسم به این کتاب مبین، که ما آن را در شب پر برکت قدر نازل نمودیم و این نزول قرآن در شب «مبارک»، از سوی خدای «تبارک و تعالی» است. قرآن فرود آمده ی برکت خدایی است؛ ظاهرش برکت ظاهری دارد و باطنش برکت باطنی. «وأسع علیکم نعمه ظاهره ی و باطنه ی» [۱۱]. قرآن کریم، برترین نعمت الهی است که در ظاهر و باطنش نعمت

فراوان وجود دارد. غرض آنکه، اگر برکتی برای قرآن ثابت شود یا برای شب قدر مقرر گردد، همه آنها بالعرض خواهد بود؛ زیرا منشأ برکت ظرف زمان یا مظروف آن، ذات خداوند است که برکت، به طور اصیل و ذاتی از آن اوست: «تبارک الذی بیده الملك» [۱۲]. بنابراین، مبدأ نزول قرآن، خداوند مبارک است.

۶- فرود آمده از طرف خدای عزیز علیم «با عزت و دانا»

در سوره‌ی «مؤمن» که «غافر» نیز نامیده می‌شود و یکی از حوامیم هفت گانه است فرمود:  
«حم × تنزیل الكتاب من الله العزيز العليم». [۱۳].

این کتاب آسمانی، از پیشگاه خدایی نازل شده است که «عزیز مطلق» (مطلق یعنی بدون قید و شرط) و «علیم مطلق» است. خدایی که جامع همه‌ی کمالات است، قهراً عزت و علم را نیز داراست. آنچه که در فرود آمدن وحی و قرآن نقش مؤثر دارد، همان عزت در پرتو علم، علم در آغوش عزت است.

«عزیز» به وجودی می‌گویند که دسترسی به او میسر نبوده، نفوذناپذیر باشد. کسی که اهل تسلیم و سازش نباشد و از استحکام و استواری برخوردار باشد «عزیز» است. در لغت، زمینی که سفت و محکم و نفوذناپذیر است، «ارض عزاز» یعنی زمین نفوذناپذیر نامیده شده است. خداوند از آن جهت که چیزی در اراده‌ی او نفوذ ندارد، بلکه تمام اشیا تحت نفوذ اوست، عزیز بالذات است و مایه‌ی عزت موجودهای دیگری؛ و از آنجا که ذاتاً



حضور محض و خالص است و تمام اشیا در پیشگاه علمش حاضرند «علیم مطلق» است؛ همانطور که «عزیز مطلق» است و قدرتی در مقابل او وجود ندارد. قبلاً اشاره شد که نکاح و ترکیب دو اسم «عزیز» و «علیم»، در تنزل و فرود آمدن قرآن سهمی دارد؛ یعنی این کتاب الهی، تنها محصول عزت خدا، یا تنها علم خدا یا ثمره‌ی عزت و علم جدا از یکدیگر به عنوان اینکه هر کدام در بخشی از نزول یا در بخشی از قرآن نازل مؤثر باشند - نیست بلکه ترکیب این دو اسم، معنای خاص خود را دارد و محصول ویژه خود را خواهد داشت.

#### ۷- فرود آمدن از طرف خدای عزیز حکیم

در آغاز سوره‌ی «شوری» می فرماید: «حم × عسق × کذلک یوحی ألیک و ألی الذین من قبلک الله العزیز الحکیم» [۱۴] و در دو سوره‌ی «جاثیه» و «احقاف» با الفاظ و عباراتی واحد و یکسان می فرماید: «حم × تنزل الکتاب من الله العزیز الحکیم» [۱۵]. در آیه‌ی اول از سوره «شوری»، مبدأ تنزل و فرود آمدن وحی را، چه درباره‌ی قرآن و چه درباره‌ی کتب آسمانی گذشته، خدای «عزیز حکیم» معرفی می نماید و در دو سوره‌ی بعدی، با عبارتی یکسان، نزول قرآن را از مبدأ «عزت» در پرتو «حکمت» می داند.

خداوند در سوره‌ی «یس» برای تأیید رسالت پیامبر گرامی اسلام (ص) قرآن را با وصف «حکیم» یاد می کند و بر آن قسم می خورد: «یس × والقرآن الحکیم × انک لمن المرسلین.» [۱۶] کتابی که «حکیم» است، بطلان و خلاف در آن راه ندارد؛ سخنان سست و بی برهان و



خیالبافی های شاعرانه در آن راه ندارد و به همین جهت، خدای سبحان، رسول اکرم (ص) را منزله از شعربافی و تخیل سازی

قرآن مجید از «تفکر» بسیار ستایش کرده است و خود از طریق یادآوری یا بیان و توضیح آیات [۱۳] با مثال ها و توصیف های گوناگون [۱۴] و با گزارش کردن داستان ها، به بهترین بیان [۱۵] سعی دارد که انسان را به فکر کردن وادارد تا با اندیشیدن درباره زندگی دنیا و آخرت [۱۶] مسیر تکاملی خود را شکل دهد و به مقدمه و گذرا بودن دنیا و جاودانگی آخرت پی ببرد و فریفته دنیا نشود و دنیا را هدف قرار ندهد.

قرآن در خصوص اینکه هدف از نزول آن تفکر و اندیشیدن است، می فرماید: «و انزلنا الیک الذکر لتبین للناس ما نزل الیهم و لعلهم یتفکرون» (نحل: ۴۴) و قرآن را به سوی تو فرستادیم تا آنچه را نازل شده است برای مردم تبیین کنی و شاید بیندیشند.

۸- به کارگیری عقل و فهم

عقل و دل انسان بسیاری از حقایق را درک می کند و در عمق جان به آن اعتراف دارد، ولی حاکمیت هواهای نفسانی بر عقل، مانع از توجه به این حقایق و اعتراف به آنها می شود. یکی از اهداف نزول قرآن زمینه سازی برای به کارگرفتن عقل و فهم است: «انا انزلناه قرآنا عربیاً لعلکم تعقلون» (یوسف: ۲) و ما کتاب خویش را به صورت خواندنی عربی فرود فرستادیم تا شاید عقل را به کار بندید در آیه دیگری می فرماید: «انظر کیف نصرنا الایات لعلهم

یعقلون» (انعام: ۶۹) و بنگر که چگونه آیات را بیان می کنیم، شاید که دریابند و حقایق را فهم کنند.

از آیات شریفه می توان این نکته را استفاده کرد که قرآن با ذکر مقررات الهی، [۱] هشدار نسبت به تلاش شیطان برای گمراهی بشر، [۲] توجه دادن به معاد [۳] و ذکر مثال ها [۴] در صدد است تا زمینه به کاربندی عقل را درک حقایق فراهم سازد.

#### ۹- آگاهی از یگانگی خدا

انسان تا به مرحله «توحید در الوهیت» نرسد و معتقد نشود که جز خداوند متعال موجود دیگری شایسته پرستش نیست، اهل نجات نخواهد بود. به همین دلیل، همه پیامبران: مردم را به توحید در الوهیت دعوت می کردند. قرآن مجید نیز، که هدفش رساندن مردم به آستانه نجات و سعادت ابدی است، یکی از اهداف نزول خود را آگاه ساختن مردم از توحید در الوهیت قرار داده است و می فرماید: «هذا بلاغ للناس... ليعلموا انما هو اله واحد» (ابراهیم: ۵۲) این (قرآن) بیان رسائی برای مردم است... تا آنکه بدانند که خدا یگانه معبود و موجود شایسته پرستش است.

از مجموع آنچه که در بعد بینش ذکر شد، چنین نتیجه می گیریم که قرآن در مرحله اول سعی دارد که انسان را از غفلت و بی خبری نجات دهد، سپس امور فراموش شده را به خاطرش آورد. در مرحله بعد، زمینه به کارگیری عقل و آمادگی برای فهم حقایق را فراهم می آورد. پس از آن نیز بینش های ضروری و صحیح را در اختیار او قرار داده و بر آن

استدلال می کند، مسائل مورد اختلاف را توضیح می دهد و انسان را تا مرحله «توحید در الوهیت»، که سعادت او در گرو اعتقاد به آن است، به پیش می برد.

## ب) اهداف قرآن در بعد گرایش

### ۱- بند دادن

برای آنکه انسان مسیر صحیح سعادت را انتخاب کند، علاوه بر بیرون آمدن از عالم غفلت و فراموشی و به دست آوردن بینش های صحیح و ضروری، باید دل او نیز در گرو آن بینش ها قرار گیرد، ولی با توجه به مادیات و پیروی از هواهای نفسانی دل انسان را سخت و او را سنگ دل می سازد و آمادگی پذیرش حقایق را از او می ستاند. در چنین موقعیتی، ضروری ترین عنصر مورد نیاز عاملی است که دل او را رام کند و به حالت فطری نخستین بازگرداند. آن عامل، «پند و موعظه» است. به همین دلیل، یکی از نامهای قرآن «موعظه» می باشد و در آیات گوناگون از اینکه هدف قرآن موعظه کردن است سخن به میان آورده است مانند: «یا ایها الناس قد جائتکم موعظه من ربکم» (یونس: ۵۷) ای مردم، شما را از سوی خداوند گارتان پندی آمد.

پذیرش حقایق غیر از آگاهی از حقایق است. کم نیستند افرادی که با آنکه حقیقت برایشان روشن گشته، از پذیرش آن سرباز می زنند و در برابر آن مقاومت و حتی جبهه گیری می کنند. قرآن مجید از افراد و گروههایی نام می برد که در برابر ادعاهای حق انبیا: در عین یقین داشتن به آنها، موضع مخالف گرفته و تسلیم نشده اند و به ویژه، برتری طلبی و

ستمگری آنان سبب شده است که حاضر به پذیرش حقایق نشوند: «جحدوا بها و استیقنتها انفسهم ظلما و علوا» (نمل: ۱۴)؛ آیات الهی را در عین آنکه بدانها یقین داشتند، به دلیل ستمگری و برتری طلبی انکار کردند. از این رو، نقش «موعظه» دقیقا این است که زمینه را برای پذیرش دل و تسلیم شدن در برابر حقایق فراهم سازد.

نکته شایان توجه آنکه موعظه های قرآنی صرفاً بر اموری که شهرت دارد (مشهورات) و مورد قبول توده مردم است متکی نمی باشد، بلکه آنچه در مواظ قرآنی رعایت میشود تکیه بر امور صحیح و درستی است که فهم آن آسان و همراه با تعبیری است که دل را تحت تأثیر قرار می دهد. به عنوان مثال، به این موعظه قرآن توجه کنید: «قل انما اعظکم بواحدہ ان تقوموا اللہ مثنی و فرادی ثم تفکروا ما بصاحبکم منہ جنه» (سبا: ۴۶) روی سخن در این موعظه با منکران نبوت است که با نزول قرآن به عنوان معجزه الهی و درخواست همانند آوری، نبوت پیامبر اسلام (ص) برایشان به اثبات رسیده، ولی برای بهانه جویی یا در اثر شبهه ای که مغرضان مطرح کرده بودند، چنین می پنداشتند که پیامبر (ص) نعوذبالله جن زده شده یا تحت تأثیر نیروهای دیگر تصور کرده است که پیامب راست.

قرآن از مرحله استدلال، که همانند آوری است، گذشته و می فرماید: چون شما در مقام استدلال نتوانسته اید همانند قرآن بیاورید پس پیامبری رسول گرامی (ص) ثابت شده است؛ ولی برای آنکه دل های آنان را تسلیم این حقیقت کند، می فرماید: «بگو من شما را فقط به یک چیز موعظه می کنم: برای خدا به پاخیزید و به تنهایی و یا با هم اندیشی درباره نبوت

پیامبر (ص) بیندیشید و ببینید که او چن زده نیست. اگر از نیروی تفکر خود به دور از تعصب، کمک بگیرید نبوت او را تصدیق خواهید کرد. موضوع «موعظه» در این آیه مطلب حقی است که قبلا بر آن استدلال شده و در اینجا به طریقی آسان و روشن و به منظور رام ساختن دل ها، راه زدودن و تحت تأثیر اغراض و انگیزه های مخالف حق قرار نگرفتن را نشان می دهد.

## ۲- انذار و تبشیر

فعالیت های اختیاری انسان در اثر آگاهی و انگیزه، جامه عمل می پوشد. برای حرکت انسانها در هر مسیر (اعم از حق و باطل) صرف آگاهی کافی نیست، بلکه علاوه بر آگاهی، انگیزه نیز لازم است و تا انسان نسبت به کارهای خیر، انگیزه و نسبت به کارهای ناشایست، دافعه ای نداشته باشد، در مسیر صحیح قدم نمی گذارد و به پیش نمی رود. انسان باید در کنار سیراب شدن عقل با توجه به نتایج و عواقب کارهای خوب و بد تمایل قلبی به خیرات و نفرت و انزجار نسبت به شرور و زشتی ها داشته باشد. این نیز در پرتو «انذار» و «تبشیر» حاصل میشود. این همه تأکید قرآن بر بهشت و جهنم و ذکر جزئیات و تفصیل پاداش ها و کیفرهای آن جهانی، علاوه بر حقانیت آن، برای نقش عظیم آن در جهت دادن و به تلاش واداشتن انسان است.

بعز انسانهای متعالی، که عبادت را تنها به دلیل شایستگی خدا برای عبادت یا محبت و یا سپاسگزاری انجام می دهند، بیشتر انسانها شوق به بهشت و یا بیم از جهنم عامل حرکت آنها

در جهت عبادت خداست. افزون بر این، انذار و تبشیر برای انسانهایی که در اثر کجروی ها بیان استدلالی و موعظه برایشان سودی ندارد، هشدار است که گاه آنان را از مسیر انحرافی خویش باز می دارد. قرآن مجید یکی از اهداف خود را انذار و تبشیر معرفی می کند و می فرماید: «انزل علی عبده الکتاب... لینذر باسا شدیداً من لدنه و یبشر المؤمنین»

(کهف: ۱ و ۲) خداوند بر بنده خویش کتاب را فرو فرستاد... تا از عذاب سخت پروردگار بیم دهد و مؤمنان را بشارت گوید.

### ۳- درمان بیماری های روحی

زدودن زنگارهای دل، هم برای باورداشت سخن حق ضرورت دارد و هم برای ارتقا در نزدبان تکامل و قرب به خدا نقش اساسی ایفا می کند. قرآن کریم یکی از اهداف خود را شفابخشی اعلام کرده و می فرماید: «یا ایها الناس قد جئتکم ... شفاء لما فی الصدور» ای مردم، از سوی خدا برایتان ... بهبود بخش. بیماریهای روحی آمد. تعبیر «شفاء لما فی الصدور» عام است و هر گونه بیماری درونی، خواه کفر و نفاق و گمراهی باشد و خواه دیگر امراض باطنی را که مانع از رشد معنوی انسان است، در بر می گیرد.

در آیه شریفه چهاردهم از سوره مطففین، قرآن دلیل تکذیب معاد و روز جزا از سوی انسانهای گناهکار و تجاوزگر را زنگار گرفتگی دلهاشان می داند. در آیه دهم سوره بقره نیز دلیل نفاق و نیرنگ بازی منافقان را بیماری دل آنان می داند. به هر حال، تا ظرف دل از زنگار بیماری گناهان و کارهای ناشایست پاک نشود، بهترین معارف هم اگر در آن جای



گیرد، آلوده به شرک و نفاق می شود و ثمربخشی خود را از دست می دهد. قرآن درصدد است که ظرف دل را پاک سازد و بیماریهای آن را بهبود بخشد. تلاوت قرآن و دل سپردن به آن چنین اثری دارد که در روایات آمده است: دلها همچون فلزات زنگار دارند، زدودن زنگار آنها با استغفار و تلاوت قرآن میسر است.

#### ۴- هدایت پذیری و پند پذیری

اگر عقل سیراب شود، دل رام می گردد و ظرف دل از زنگارها و بیماریها پالوده شود، آماده پذیرش هدایت قرآن و تسلیم در برابر موعظه و پند آن می شود. این هدف دیگری است که در آیات مطرح شده است. قرآن می فرماید: «ام یقولون افتراه... بل هو الحق من ربك... لعلمهم یهدون» (سجده: ۳) یا آنکه می گویند: قرآن را به دروغ به خدا نسبت می دهد...، بلکه قرآن حق است و از سوی خداوند گار تو است... تا شاید هدایت پذیرند. در آیه دیگری می فرماید: «کتاب انزلناه الیک».

... لیتذکر اولوالالباب « (ص: ۲۹) کتابی به سوی تو فرو فرستادیم... برای آنکه خردمندان از آن پند گیرند.

#### ۵- تقوا

یکی از اهداف قرآن ایجاد تقوا در انسانها است. قرآن می فرماید: «قرآنا عربیا غیر ذی عوج لعلمهم یتقون» (زمر: ۲۸)؛ قرآن عربی را، که در آن هیچ کژی نیست، فرو فرستادیم تا شاید تقوا پیشه کنند. «تقوا» یکی از عناصر مهم در بینش قرآنی و در اصل، به معنای «خودپایی»

است. انسان همواره در برابر خطرات، خود را می‌پاید و مراقب خویش است. این خودپایی میتواند در برابر عذاب جهنم، خشم خدا و از دست دادن کمالاتی باشد که انسان میتواند به آنها برسد. به همین دلیل، به نحوی بر «ترس» هم دلالت دارد. و اینکه گاهی تقوای الهی یا تقوای از جهنم را به ترس از خدا با جهنم معنا می‌کنند بر همین اساس است. و گرنه معنای اصلی آن «ترس» نیست. در اینجا این سؤال مطرح می‌شود که «ترس از خدا» به چه معنا است؟ «ترس از خدا» میتواند به دو صورت مطرح شود:

نخست آنکه از معصیب خدا بترسد؛ زیرا معصیت خدا منشأ همه عذابهای اخروی و عقوبتهای دنیوی است.

دوم آنکه خطر همیشه جسمانی نیست، محرومیت از رحمت و دوری از محبوب برای انسانهای برجسته بالاترین رنج است. انسانهایی که مراحل از کمال را طی کرده اند بدین دلیل از معصیت خدا دوری می‌کنند که نگران دور ماندن از محبوب خود هستند. برجستگان از بندگان خدا اصولاً از توجه به غیر خدا بی‌مناکند و تقوای آنکه آنان را همیشه در محضر خدا و خدا را حاضر و ناظر اعمال آنان قرار می‌دهد و نسبت به غفلت از خدا ترسانند.

تقوا هم در مرحله فکر و نظر مطرح است و هم در مرحله عمل و رفتار. اولین مرحله تقوا در بعد نظری، «حقیقت طلبی» است تا انسان گرفتار باطل نشود، چنین کسی وقتی با قرآن مواجه می‌گردد بدان هدایت می‌شود و وقتی آیات خدا و معجزات الهی را می‌بیند، تسلیم آن می‌ردد و بدان‌ها ایمان می‌آورد. حضرت سلمان با آنکه در محیط کفر و شرک متولد شد و



در آنجا رشد کرد، ولی حقیقت طلبی و تقوای او موجب شد که در پی یافتن آیین حق برآید و سرانجام، به پیامبر اسلام (ص) برسد و ایمان آورد. قبلاً گفتیم که قرآن می خواهد حقیقت طلبی را در انسان تقویت و شکوفا سازد.

بالاترین مراحل تقوا نیز برترین درجات کمال است که انسان را شایسته آرامش یافتن در جوار رحمت حق می سازد: «ان المتقين في جنات ونهر في مقعد صدق عند مليك مقتدر» (قمر: ۵۴ و ۵۵) اهل بهشت در اولین مرحله تقوا در بعد عمل نیز آن است که آنچه را طبق فطرت خویش زشت می یابد از آن اجتناب می کند. این نوع تقوا را می توان «تقوای فطری» نامید زیرا فطرت آن را به انسان الهام می کند، ولی این اولین مرحله تقوا در مرحله عمل است. پس از اسلام آوردن نیز تقوا مطرح است، اما کسانی که از مراحل بالاتر هدایت قرآن برخوردار میشوند که مراتب دیگر تقوا را داشته باشند.

در قرآن مجید، آنچه انسان باید خود را از آن دور نگه دارد، مشخص گردیده است؛ و لذا آن جمله خداوند معاد آتش دوزخ فتنه ای که فقط ظالمان را در بر نمی گیرد، وضعیت حاضر و آینده هر کس می باشد.

پرداختن به همه این موارد و نکته سنجی های موجود در آنها با فرصت محدود این مقاله سازگار نیست. بنابراین، تقوا دارای درجات است و هر چند همه موارد آن مدنظر قرآن می باشد ولی به نظر می رسد در آنجا که تقوا هدف نزول قرآن است، مرحله اولیه تقوا نیست؛ زیرا اگر چنان خصلتی (حقیقت طلبی) در انسان نباشد، از ابتدا به قرآن گوش فرامی دهد.

## ج) اهداف قرآن در بعد عمل

### ۱- شکرگزاری

انسانی که به این مرحله رسیده است خود را با انبوهی از نعمتهای خدا روبرو می بیند و آماده میشود تا در برابر این همه نعمت شکرگزاری کند. او اگر به نعمت ها توجه نداشته باشد و یا از صاحب نعمت غافل باشد در صددشکرگزاری بر نمی آید. قرآن در آیات خود با برشمردن نعمتها و توجه دادن به این نکته که همه آنچه در اختیار انسان است، از خداست. این زمینه را فراهم می سازد. در چنین موقعیتی است که انسان حق شناس به ولی نعمت خود توجه می کند و در می یابد که همه چیز از اوست و جز نعمتهای او چیز دیگری از خود یا دیگری ندارد. به شکرگزاری آن ذات اقدس مشغول می گردد و تا آنجا پیش می رود که حتی عبادت خویش را برای خود از دوزخ یا شوق به بهشت انجام نمی دهد، بلکه انگیزه شکرگزاری از نعمت های بی شما خدا او را به عبادت او می دارد [۱].

### ۲- داوری به حق در مسائل مورد اختلاف

یکی دیگر از اهداف قرآن حل مسائل مورد اختلاف در مرحله عمل است. فطرت پاک انسان وی را به رعایت عدالت و اعطای حقوق دیگران فرا می خواند و در مقابل تجاوزطلبی، او را از این کار باز می دارد. پیامبران: از یک سو، با انذار و تبشیر، زمینه کنارزدن تجاوزطلبی و عمل به خواست فطرت الهی و پاک انسان را فراهم می سازند و از سوی دیگر، در موارد اختلاف بین انسانها قضاوت می کنند و مصداق حقوق دیگران را

تعیین می نمایند. البته پس از هر پیامبری در طول تاریخ، انسان ها دچار انحراف شده اند و با آنکه مسائل حقوقی برایشان روشن بوده، حقوق دیگران را نادیده گرفته و به آنان ستم روا داشته اند.

همچنین به تدریج، با ایجاد انحراف در دین خدا و یا برداشت های ناروا از تعالیم دین، انسانهای دیگر را گمراه ساخته و افراد را دچار اختلاف کرده اند. در چنین وضعیتی، فقط ایمان به خدا راهگشای مؤمنان می گردد. قرآن مجید، که پس از پیامبران فراوان گذشته رسیده، یکی از اهدافش قضاوت در مسائل اختلافی بین مردمان است. بنابراین، هدف قرآن در یک مرحله، تبیین مسائل مورد اختلاف از نظر فکری و در مرحله دیگر، قضاوت به حق در مسائل مورد نزاع است تا از انحراف بشر در مقام عمل جلوگیری به عمل آید. در آیه ۲۱۳ از سوره بقره هدف بعثت همه انبیاء و نزول کتب آسمانی قضاوت، در مورد مسایل مورد اختلاف مردم دانسته شده است و این نکته مطرح شده است که پس از آمدن پیامبران نیز مردم به دلیل تجاوزطلبی اختلاف کردند و در آیه ۶۴ از سوره نحل می فرماید « و ما انزلنا علیک الكتاب الا لتبیین لهم الذی اختلفوا فیه» ما قرآن را بر تو نازل نکردیم مگر برای آنکه موارد مورد اختلاف میان مردم را برایشان توضیح دهی و بیان کنی.

### ۳- تثبیت مؤمنان

خداوند می فرماید: «قل نزله روح القدس من ربك بالحق لیثبت الذین آمنوا» (نحل : ۱۰۲) ای رسول، بگو این آیات را روح القدس از جانب پروردگارت به حقیقت و راستی آورد تا

هل ایمان را در راه خدا ثابت قدم گرداند. نزول وحی و تداوم آن، عامل ثبات مؤمنان در مسیرخ ویش و نلغزیدن به جهات انحرافی است. هر چند تثبیت در مرحله «قلب» نیز مطرح شده، ولی ثبات قدم در مسیر دین و تکامل بیشتر ناظر به مشکلاتی است که در مقام عمل پیش می آید و انسان را در ادامه راه دچار تزلزل می کند. قرآن مجید با تقویب روحیه و توجه دادن بشر به خداوند و قدرت بی نظیر وی و نیز پاداش عظیم مجاهدان، امدادهای غیبی فرشتگان و ذکر داستانهای پیامبران: و مجاهدان گذشته، زمینه ثبات قدم مؤمنان و پیامبر (ص) را در مقام عمل فراهم می سازد.

#### ۴- برپایی جامعه عادلانه

« لقد ارسلنا رسلنا بالبینات و انزلنا معهم الكتاب و المیزان ليقوم الناس بالقسط » (حدید: ۲۵)

همانا پیامبران خود را با دلایل و معجزات فرستادیم و برایشان کتاب و میزان عدل نازل کردیم تا مردم عدالت را به پا دارند. عدالت و قسط، هر دو با رعایت حقوق دیگران و دستیابی هر کس به حق خویش مرتبط است، ولی قسط بیشتر ناظر به پیاده کردن قوانین عادلانه است. قرآن مجید هدف نزول کتابهای آسمانی، از جمله قرآن. را اقامه قسط می داند، آن هم قسط عمومی که به دست خود مردم برپا شود بدین معنا که هدف، رشد دادن جوامع است تا آنجا که مردم، خود انگیزه اجرای عدالت پیدا کنند و آن را اجرا نمایند.

#### ۵- حاکمیت قوانین خدا

« انا انزلنا اليك الكتاب بالحق لتحكم بين الناس بما اريك الله » (نساء: ۱۰۵) ای پیامبر، ما قرآن را به حق به سوی تو فرو فرستادیم تا بدانچه خدا با وحی بر تو پایدار ساخته است، حکم نمایی.

عدالت مورد نظر قرآن و اجرای آن (قسط) تنها در سایه قوانین الهی امکانپذیر است. از این رو، در این آیه شریفه هدف از نزول قرآن را حکم نمودن پیامبر (ص) در بین مردم، طبق دستور و رای خدا می داند. اجرای احکام دینی از یک سو، براساس قوانین عادلانه است و از سوی دیگر، به دست عادل ترین انسانها به اجرا در می آید. در نتیجه، در مراحل قانون گذاری و اجرا، ضامن عدالت اجتماعی است.

#### ۶- حاکمیت دین خدا بر سایر ادیان

« هو الذي ارسل رسوله بالهدى و دین الحق ليظهره على الدين كله » (فتح: ۲۸) او رسول خود (محمد ص) را با قرآن و دین حق فرستاد تا آن را بر همه ادیان غالب گرداند.

حاکمیت دین خدا و غلبه آن بر سایر ادیان، که هدف ارسال پیامبر گرامی اسلام (ص) است، از دیگر اهداف اجتماعی نزول قرآن است.

اهداف قرآن (و شروط و موانع بهره مندی از آن)

قرآن مجید برای نزول خود اهدافی را ذکر کرده است. این اهداف در سه مجموعه قرار می گیرند: بخشی ناظر به بعد بینش و فکر انسان است، بخشی دیگر به گرایش های انسان

توجه دارد و بخش سوم، رفتار انسان را مد نظر قرار داده است. گزارشی از این سه بخش در پی می آید:

## الف) اهداف قرآن در بعد بینش

### ۱- رهایی از غفلت

قرآن مجید یکی از اهداف خود را نجات انسان از غفلت معرفی می کند: «تنزیل العزیز الرحیم لتندر قوما ما اندر آباؤهم فهم غافلون» (یس: ۶) قرآن فرستاده خدای شکست ناپذیر و مهربان است تا کسانی را که پدرانشان بیم داده نشده اند بیم دهی زیرا ایشان غافل اند. در این آیه، نجات مردم از غفلت، هدف قرآن تلقی شده است و برای تحقق چنین هدفی می فرماید: باید مردم بیم داده شوند تا به هوش آیند و از غفلت رهایی یابند.

انسان برای رسیدن به کمال واقعی خود، باید در چند راهی ها، راه صحیح را برگزیند و برای گزینش، باید به راههای گوناگون و سود و زیان هر یک توجه داشته باشد ولی گاهی انسان در اثر سرکشی غرایز، به گونه ای می شود که تا حد حیوان تنزل می کند و از توجه به راههای گوناگون غافل می شود. این غفلت ریشه بسیاری از گمراهی ها و انحرافات است. قرآن مجید در توصیف جهنمیان می فرماید: «اولئک کالانعام بل هم اضل اولئک هم الغافلون» (اعراف: ۱۷۹) این گروه با آنکه چشم و گوش و عقل دارند از آنها بهره نمی گیرند همانند چهارپایان بلکه از آنان نیز گمراه ترند زیرا اینان غافلان اند.



انسان در اثر غفلت، اصلاً توجه خود را به خدا، معارف حق و راههای تکامل از دست میدهد، تا چه رسد به آنکه آنها را برگزیند و بدانها دل بندد و در مسیر آنها حرکت کند. قرآن می فرماید: برخی انسانها از خدا [۱] آخرت [۲] و آیات الهی [۳] که نقش بسزایی در سعادت آنان دارد، غافل شده اند، باید به آن توجه کنند.

۲- به یاد آوردن فراموش شده ها

خداوند بزرگ از راه فطرت، عقل و وحی، حقایق را در اختیار بشر قرار داده، ولی انس با دنیا، لذاذات مادی و وسوسه های شیطانی و هواهای نفسانی سبب شده است که آن حقایق را فراموش کند. قرآن یکی از اهدافش به یاد آوردن آن حقایق است: «ان هو الا ذکر للعالمین» (تکویر: ۲۹) قرآن برای جهانیان جز یادآوری چیز دیگری نیست.

قرآن مجید بر این باور است که انسان ها امور بسیاری را فراموش کرده اند. خداوند متعال، [۴] نعمت های او [۵] آیات الهی [۶] پیمان و میثاق خدا [۷] معارف و احکامی که از سوی پروردگار در اختیارشان قرار گرفته است [۸] معاد و روز جزا [۹] و اعمالی که خود انجام داده اند [۱۰] اموری است که انسان در طول زندگی خود آنها را فراموش می کند و ضرورت دارد که کسی آنها را یادآوری کند. برخی از انسانها گاه در اثر فراموشی خدا، خود را نیز فراموش می کنند و دچار از خود بیگانگی می شوند «نسو الله فانسا هم انفسهم» (حشر: ۱۹) خدا را فراموش کردند، خداوند هم آنان را نسبت به خودشان دچار فراموشی ساخت.

انسانی که خود را فراموش می کند دیگری را، که بر او حاکم شده و در او نفوذ کرده است، خود می پندارد. او فکر می کند که خودش می خواهد و خودش تصمیم می گیرد، ولی در واقع، او نیست که تصمیم می گیرد هوای نفس، شیطان و انسانهایی که او را مسخ کرده اند به او دستور می دهند، دردهای دیگران را، که دشمنان او هستند، درد خود می داند و درمان آنها را درمان خود می پندارد زیرا آنها را خود پنداشته است. او به دنبال هوای نفس و شیطان می رود و می گوید: دلم می خواهد، خودم چنین تشخیص داده ام «کالذی استهوته الشیاطین فی الارض حیوان» (انعام: ۷۱) مانند کسی که شیطان ها او را فریفته اند و عقل و دلش را ربوده اند سرگردان است، «کالذی یتخبطه الشیطان من المس» (بقره: ۲۷۵) مانند آن که شیطان او را مس کرده، در او نفوذ نموده، تحت سلطه خود در آورده، او را از تعادل خارج کرده است و توان حرکت در مسیر تکامل خود را ندارد.

قرآن راه نجات از خود فراموشی و از خودبیگانگی را «یاد خدا» و فراموش نکردن او می داند. اگر انسان خدا را به یاد آورد خداوند هم او را یاد می کند «فاذکرونی اذکرکم و اشکروالی و لا تکفرون» (بقره: ۱۵۳) پس مرا (خدا را) یاد کنید، من هم شما را یاد می کنم و مرا سپاس گوید و کفر نوزید. اگر خدا انسان را یاد کند از خودفراموشی نجات می یابد.

۳- ارائه بینش های صحیح و ضروری

انسان ها در شناخت خدا و جهان دچار برداشت های نادرستی شده اند و در بسیاری از موارد، شناخت صحیحی از جهان، خود و خداوند ندارند، چنان که در موارد بسیاری



نمی توانند با اتکاء به ابزارهای شناخت بشری شناختهای لازم را به دست آورند « و ما اوتیتم من العلم الا قليلا » (اسراء : ۸۵) قرآن مجید می فرماید: ما قرآن را فرو فرستادیم تا همه شناختهای صحیح و لازم برای هدایت انسان به کمال واقعی اش را در اختیار او قرار دهیم «وانزلنا الیک الكتاب تبیاناً لکل شیء» (نحل : ۸۹) اصلاً دلیل آمدن پیامبران: همین بوده است که بشر از دستیابی به همه شناخت های لازم و صحیح ، که برای سعادت وی ضروری میباشد، ناتوان است.

#### ۴- ارائه دلایل روشن بر بینش های صحیح و ضروری

انسان برای پیمودن مسیر صحیح کمال نیازمند آن است که راه درست و صحیحی را، که به کمال واقعی او منتهی می شود، به او نشان دهند و بر صحیح بودن آن راه، دلیل روشن و قطعی نیز داشته باشد تا عقلش سیراب گردد، به پیمودن مسیر او را فرمان دهند و در طول راه دچار تردید و توقف یا عقب گرد نشود و در برابر شهوات و وساوس شیطانی از حیث عقلی نلغزد. قرآن کریم هم راه راستین تکامل را نشان می دهد و هم با پشتوانه دلایل روشن و یقین آور، استواری آن را تضمین می کند. قرآن کریم در آیاتی به این حقیقت اشاره می کند: «و بینات من الهدی و الفرقان» (بقره : ۱۸۵) ، «قد جاء کم برهان من ربکم» (نساء : ۱۷۴).

البته نشان دادن راه به دو صورت ممکن است: نخست آنکه کلیه جزئیات موضوع از سوی قرآن بیان شود و بر آن استدلال گردد. دوم آنکه راهی برای به دست آوردن جزئیات موضوع به ما نشان دهد و بر آن استدلال کند و مثلاً راه امامت را در اختیار ما قرار دهد و بر

آن استدلال نماید و ما از طریق آن راه، جزئیات را به دست آوریم، بدون آنکه برای هر مسأله نیازمند استدلال باشیم. هر چند این آگاهی ها غیر از ایمان به آنهاست، ولی علم زمینه ایمان را فراهم می سازد و اگر بسیار شفاف باشد و به آن معتقد شود زمینه ساز خشیت از خداست «انما یخشى الله من عباده العلماء» (فاطر: ۲۸) همانا بندگان دانشمند از خدا می ترسند.

#### ۵- تبیین حق از باطل

تبیین مسائل اختلافی و ارائه معیاری برای شناخت حق از باطل در مسائل اختلافی و مشته، یکی دیگر از اهداف قرآن است: «و ما انزلنا علیک الکتاب لا لتبین لهم الذی اختلفوا فیه» (نحل: ۶۴) و ما کتاب را بر تو نازل نکردیم، مگر برای آنکه آنچه را در آن اختلاف کرده اند برایشان روشن سازی «شهر رمضان الذی انزل فیه القرآن هدی للناس و بینات من الهدی و الفرقان» (بقره: ۱۸۵) ماه رمضان است که در آن، قرآن برای هدایت مردم و ارائه نشانه های روشن هدایت و معیار تشخیص حق و باطل نازل شده است.

با آنکه بسیاری از حقایق از طریق دل، عقل و وحی در اختیار انسان قرار گرفته، ولی وساوس شیطان [۱۱] به شکل های گوناگونی جلوه حق را مشوه می کنند، حتی در حقایق روشن نیز اختلاف ایجاد می نمایند، به گونه ای که گاهی انسانهای پاک سرشت نیز از تشخیص حق به طور کامل، ناتوان می شوند. قرآن، که کتاب هدایت هر انسان پاک سیرت است، برای زدودن زنگارهای وساوس شیطانی از چهره حقیقت، گاه خود به بیان حقایق مورد اختلاف

می پردازد و گاه میزان و معیار تشخیص حق و باطل را بیان می کند مانند ارجاع به اهل ذکر در آیه شریفه «فاسالوا هل الذکر» (نحل : ۴۲) و یا آیاتی که بر اعتبار عقل، تجربه و حجیت قول پیامبر و امام وجود دارد.

#### ۶- تدبر در آیات قرآن

تدبر و دقت در آیات قرآن در فهم آن نقش بسزایی دارد و در روایات نیز بر آن تأکید فراوان شده و خواندن بی تأمل و بی تدبر، بدون خیر و اسف بار نامیده شده است. در آیه شریفه ۲۹ سوره ص می فرماید: «کتاب انزلناه الیک مبارک لیدبروا آیاته» کتاب پربرکتی فرو فرستادیم تا در آیاتش تدبر کنید. در آیه ۸۳ سوره نساء فهم اعجاز قرآن در هماهنگی را منوط به تدبر دانسته است و در آیه ای دیگر می فرماید: آیا در قرآن تدبر نمی کنند یا بر دل ها قفل زده شده است؟ [۱۲] از دو آیه اخیر استفاده میشود که تدبر در قرآن زمینه پی بردن به حقایق آن را فراهم می سازد و انسان را به راه صحیح دستیابی به کمال رهنمون می شود، مگر کسانی را که در اثر گناه بر دلهاشان قفل زده باشند.

#### فضیلت قرآن

در عالم هستی هیچ کتابی در فضیلت و برتری به پایه قرآن نمی رسد؛ زیرا نه تنها قرآن خلاصه و عصاره تعلیمات همه انبیاء الهی است، بلکه از همه موجودات آفرینش برتر و والاتر است. پیامبر اسلام (ص) در این باره فرمود:

القرآن افضل کل شیء دون الله؛ فضیلت قرآن به جز خدا از همه چیز برتر و بالاتر است. [۱]

فضیلت قرآن از همه کتابهای آسمانی بیشتر و بالاتر است؛ زیرا کتابهای دیگر آسمانی برای برهه‌ای از زمان و مردم خاصی فرود آمده بود. اما قرآن برای همه زمانها تا روز قیامت و برای همه انسانها در همه مکان‌ها حتی برای غیر انسانها مانند جن نازل شده و هممه موظف هستند به دستورات آن عمل کنند.

قرآن بهترین کلام و هدیه اوست، و نیز تکلم خدا با بشر است. انسان عاقل و فهمیده به هیچ عنوان حاضر نیست بین او و قرآن فاصله بیفتد. مگر نه این است که گوش و چشم انسان می‌خواهند لذت ببرند. چرا لذت را با شنیدن و دیدن آیات و کلام الهی تأمین نکنند تا بخواهند از راه باطل چشم و گوش را به لذت مادی سرگرم کنند.

اگر برای انسان، روشن و واضح شد که قرآن، هم کلام الهی و هم تکلم خداوند با بشر است، چرا به استقبال آن نمی‌شتابد!

اگر کسی مزاج روحی خود را با گناه مسموم کند از شهد و شیرینی قرآن لذت نمی‌برد. همان طور که انسان معتادی که مزاجش را مسموم کرده است، نمیتواند از عسل لذت ببرد و

فقط از آن سم، لذت می‌برد لذا کسی هم که مزاج روحی خود را مسموم کند از تلاوت قرآن لذت نمی‌برد؛ چرا که گناهان مانع می‌شوند وی طعم گوارای کلام الهی را بچشد.

قرآن اثر جود و بخشش الهی است که بر قلب بهترین افراد بشر نازل شده است، و پیامبر اسلام (ص) هم در رساندن این بخشش الهی کوتاهی نکرده، بلکه همه آن عطایا و مواهب الهی را به انسانهای مستعد و قابل، ابلاغ کرده است.

قرآن به منزله یک تکلیف محض نیست، بلکه عطای خاص الهی است و چون آن حضرت در رساندن بخشش و بذل خداوند کوتاهی نکرده است، شما هم در پذیرش و فهمیدن آن کوتاهی نورزید.

پیامبر اسلام (ص) فرمود:

قرآن در گمراهی، مایه هدایت و در نابینایی، مایه روشنی و موجب بخشش لغزش ها است. قرآن انسان را از نابودی حفظ می کند و از انحراف رهایی می بخشد، فتنه ها را روشن می سازد، آدمی را از دنیا به آخرت میرساند، و کمال دین در آن نهفته است. هر کس از قرآن فاصله گرفت در آتش افتاده است [۲].

قرآن همان قانون خدایی و ناموس آسمانی است که اصلاح دین و دنیای مردم را به عهده گرفته و سعادت جاودانی آنان را تضمین کرده است.

آیات آن سرچشمه هدایت، راهنمایی و کلماتش معدن ارشاد و رحمت است. کسی که به سعادت همیشگی علاقمند است، و سعادت و خوشبختی هر دو جهان رامی خواهد داشته

باشد، بر وی لازم است که روز و شب با قرآن تجدید عهده کرده و ارتباطش را با آن محکم و استوارتر سازد، و آیاتش را به حافظه خود سپرده و با مغز و فکر خویش درآمیزد تا

در پرتو آن کتاب آسمانی، به سوی رستگاری و سعادت جاودانی رهنمون شود.

## اعجاز قرآن کریم و ابعاد آن

قرآن معجزه

جاویدان پیامبر اسلام و سند زنده حقانیت راه اوست. قرآن عزیز تنها معجزه حاضر در عصر

ماست که گواه همیشه صادق اسلام و راهنمای انسان ها است.

از تعریفهایی که برای معجزه بیان شد بر می آید که معجزه در اصطلاح عبارت از امر خارق

عادتی است که برای اثبات ادعای نوبت آورده می شود بطوری که موافق ادعا باشد و

شخص دیگری نتواند مثل آن را انجام دهد بلکه همه در آوردن آن عاجز باشند.

اکنون پرسش این است که اعجاز قرآن از کدام جهت است یعنی تحدی قرآن به

آوردن «مثل» آن یعنی چه؟ و مثلثیت در چه جهتی مراد است. پاسخ به این پرسش موضوع این

قسمت نوشتار است. که دید گاهها را در این زمینه بررسی می کند. این نوشتار در چند

قسمت ارائه می گردد.

قسمت اول: دلایل اعجاز قرآن

قسمت دوم: بررسی دید گاهها درباره اعجاز قرآن (رمز مثل نداشتن آن)

قسمت سوم: راز اعجاز قرآن کریم.

قسمت اول: تحدی قرآن کریم (دلیل اعجاز قرآن)

الف: آیات تحدی (مبارزه طلبی)

آیاتی که تحدی (مبارزه طلبی) قرآن در آنها مطرح شده است چند گونه است. گاهی مردم را در مورد کل قرآن و یا ده سوره آن به مبارزه می طلبد و گاهی می فرماید اگر می توانید یک سوره مثل آن بیاورید. به این آیات توجه کنید:

«قل لئن اجتمعت الانس والجن علی ان یأتوا بمثل هذا القرآن لا یأتون بمثله و لو کان بعضهم لبعض ظهیرا»

«بگو اگر تمامی انسان و جن جمع شوند تا مثل این قرآن را بیاورند نخواهند توانست و لو آنه برخی آنها به کمک دیگران بشتابند»

«ام یقولون افتریه قل فاتوا بعشر سوره مثله مفتريات و ادعوا من استطعتم من دون الله ان کنتم صادقین»

«آیا می گویند که (محمد ص) افترا می بندند (و کلام مخور را کلام خدا می خواند) پس ده سوره مانند آن بسازید و بیاورید و از هر کس، غیر از خدا، می خواهید کمک بگیرید، اگر راست می گوید»

«و ان کنتم فی ریب مما نزلنا علی عبدنا فاتوا بسوره من مثله و ادعوا شهداکم من دون الله ان کنتم صادقین»

«و اگر در مورد آنچه به نبده خود محمد (ص) نازل کردیم شکی دارید پس سوره ای از جنس آن بیاورید و گواهان خود را، غیر از خدا بخوانید، اگر راستگویانید.»



تذکر: نکته جالب در آیات فوق این است: آنجایی که سخن از آوردن مثل کل قرآن یا ده سوره آن است سخنی از یاری افراد به همدیگر است اما جائی که سخن از یک سوره و حدیث است مسأله شاهدان- و نه یاوران- را مطرح می کند. علت این تعییرات شاید این باشد که در صورت اول این کاربرای یک نفر مشکل است و یا اینکه اشاره بوجود اعجاز قرآن و مراتب آن است.

ب: قلمرو تحدی قرآن: مبارزه طلبی قرآن سه نوع شمول دارد.

۱- شمول افرادی: قرآن می فرماید: «لئن اجتمعت الجن والانس علی ان یأتوا بمثل هذا القرآن لا یأتون بمثله» یعنی اگر همه افراد انسانها و حتی جن ها جمع شوند نمی توانند مثل قرآن را بیاورند و به اصطلاح، عام افرادی است. بطوری که شامل همه افراد موجود انسانها و حتی افرادی که در آینده می آیند میشود.

۲- شمول زمانی: یعنی این دعوت و تحدی قرآن از زمان صدر اسلام شروع شده و همیشه ادامه دارد و لذا می فرماید:

« فان لم تفعلوا و لن تفعلوا»

اگر در گذشته نتوانستید مثل قرآن را بیاورید و هرگز هم نخواهید توانست.

۳- شمول احوالی: در هیچ حالی نمی توانید مثل قرآن را بیاورید یعنی اگر عرب و یا عجم، ادیب (متخصص ادبیات عرب) و یا متخصص در هر زمینه دیگر باشد نمی توانید مثل قرآن را بیاورید. البته این مطلب از اطلاق آیه استفاده می شود.



و از این شمول و عموم و اطلاق آیه میتوان استفاده کرد که آن جهت و رمز اعجاز قرآن باید چیزی دیگر باشد. که شامل همه زمانها و همه احوال باشد. و این در حالی است که برخی مثل شاطبی می گویند: اعجاز قرآن مخصوص زمان صدر اسلام است. و همین که ادیبان آن دوره نتوانستند مثل قرآن را بیاورند دلیل معجزه بودن قرآن است و در اعصار بعدی فقط به همین مطلب احتجاج می شود.

### دیدگاهها درباره اعجاز قرآن کریم

در این مورد آراء و نظریه های متفاوتی از زمانهای قدیم مطرح بوده است ولی این نظریه ها را می توان در یازده دیدگاه خلاصه کرد، که ما به آنها اشاره می کنیم.

اول: فصاحت و بلاغت:

یعنی قرآن یک معجزه ادبی است به طوری که فصیح بودن آن در حد اعلائی فصاحت و بلیغ و رسا بودن آن نیز کامل است به طوری که در قبل و بعد از ظهور اسلام هیچ شعر یا سخن و کلام عربی به پایه آن نرسیده است.

دوم: سبک و نظم خاص قرآن:

هر چند قرآن از حروف و کلمات معمولی زبان عرب تشکیل شده است اما نظم خاص خود و تألیف منحصر به فرد آن در ترکیبان کلامی آن معجزه است یعنی سبک خاص آن، نه شعر، نه نظم است بلکه کلامی خاص است که قابل تقلید نیست.

چرا که خداوند از همه حروف و کلمات و ترکیبات آگاهی دارد و بهترین آنها را انتخاب کرده است ولی ما نه علم کامل الهی را داریم و نه قدرت او را و لذا نمی توانیم مثل او سخنی بگوئیم.

سوم: شیرینی و جذبه خاص یا موسیقی خاص قرآن یا روحانیت قرآن:

از همان اوایل بعثت پیامبر(ص) تأثیر شگرف قرآن در قلوب مرد واضح بود به طوری که مشرکین عرب، مردم را از گوش دادن به قرآن منع می کردند تا جذب کلام الهی نشوند و شیرینی آن را نچشند.

و همین مطلب امروزه گاهی، تحت عنوان «موسیقی قرآن» خوانده می شود که برخی از قاریان مصر و ایران به آن تمایل دارند و می گویند این جنبه از قرآن معجزه است و دیگران از آوردن کلامی که چنین تأثیری داشته باشد عاجزند.

چهارم: معارف عالی الهی قرآن از یک فرد امی:

وقتی معارف قرآن در زمینه توحید و صفات خدا با دیگر کتابهای آسمانی و سخنان فلاسفه و حکما، مقایسه می شود متوجه می شویم که قرآن چیز دیگری است که عقل ها را متحیر می نماید. و دیگران از آوردن معارفی مثل آن عاجزند و این در حالی است که همه این معارف توسط یک فرد امی (بی سواد) بیان شده است.

پنجم : قوانین محکم قرآن:

نظام شرع و قانون گذاری قرآن از چنان متانت و استواری برخوردار است که هیچ کس قادر نیست مثل آن را بیاورد بلکه انسانها هر قانونی که می گذارند پس از گذشت چندی اشکالات و سستی آن آشکار می شود و خود ناچار به تغییر آن می شوند. برای مثال قرآن به نظام عدل و وسط، برادری و علم دعوت می کند و در جایی که به آخرت می پردازد دنیا را هم فراموش نمی کند.

ششم : برهان های عالی قرآن :

قرآن کریم وقتی سخن از توحید و معاد و نبوت می کند چنان استوار و براساس قوانین صحیح فکر (منطق) سخن می گوید، تو گویی پیامبر اسلام (ص) ده ها سال منطق و فلسفه خوانده است در حالی که او یک فرد امی بود. این، اعجاز قرآن را می رساند چرا که هیچ فرد امی نمی تواند اینگونه سخن بگوید.

هفتم : خبرهای غیبی از گذشته و آینده:

قرآن در موارد متعددی از اقوام گذشته که اثری از آنها نبود مثل قوم لوط و عاد و ثمود و... سخن گفته است و اکتشافات بعدی باستان شناسان این مسائل را اثبات کرده و می کند. و یا در مواردی از مسائل آینده سخن می راند مثل پیش بینی شکست ایران از روم که به وقوع پیوست. این اخبار غیبی است که بشر عادی از آوردن مثل آن عاجز است.

هشتم : اسرار خلقت در قرآن ( اعجاز علمی):

یکی از ابعاد اعجاز قرآن که در چند قرن اخیر ظاهر شد و بسیاری از متخصصان علوم را به شگفتی وا داشت و برخی صاحب نظران علوم قرآن بدان تصریح کرده اند همان گزاره های قرآن در مورد مسایل علمی مثل: زوجیت گیاهان و حرکت خورشید و زمین است. در حالی که انسانها تا قرن ها بعد از نزول قرآن بدان مطالب علمی دسترسی نداشتند.

نهم: استقامت بیان (عدم اختلاف در قرآن):

قرآن در طی ۲۳ سال بر پیامبر (ص) نازل شد که گاهی در شرایط جنگ، صلح، سفر و .. بود ولی با این حال اختلاف و تناقضی در بیانات قرآنی وجود ندارد. در حالی که اگر یک نویسنده در طی چند سال مشغول نوشتن باشد گاهی در ابتدا و انتها و مطالب داخل نوشته تناقضاتی به چشم می خورد.

این مطلب اعجاز قرآن را می رساند که هیچ انسانی نمی تواند مثل قرآن اینگونه سخن گوید.

دهم: ایجاد انقلاب اجتماعی:

برخی از صاحب نظران بر آنند که اعجاز قرآن کریم این است که تغییر عظیم و جدی و انقلاب بزرگی در حیات انسان به وجود آورده است که با قوانین عادی و تجربی بشر در اجتماعی و سنن تاریخی سازگار نیست.

به عنوان نمونه وضع اجتماعی اعراب جزیره العرب را مثال می زنند که قبل از اسلام با تمدن و مدنیت آشنا نبودند ولی کتابی مثل قرآن از آنجا برخاست در حالی که هر کتاب آئینه

فرهنگ و علم جامعه خویش است اما قرآن کریم برخلاف قوانین طبیعی و اجتماعی بوجود آمد و توانست جامعه عرب را صاحب فرهنگ و تمدن جدیدی کند.

یازدهم : صرف:

برخی معتقدند که اعجاز قرآن از آن جهت است که خداوند اجازه نمی دهد کسی مثل قرآن را بیاورد یعنی قدرت را از مخالفین سلب می کند. که این نظریه به سه صورت بیان شده است.

اول : این که بگوئیم خداوند انگیزه افراد مخالف قرآن را سلب می کند

دوم : اینکه بگوئیم خداوند علوم لازم آنها را سلب می کند.

سوم: اینکه بگوئیم با اینکه قصد مخالفت دارند و قدرت بر آوردن مثل قرآن دارند، اما خداوند جلوی آنها را جبراً می گیرد.

البته به این دیدگاه جواب های متعددی داده شده است. و معمولاً اساتید و صاحب نظران علوم قرآن این دیدگاه را نمی پذیرند.

ایمان به قرآن

انسان مسلمان ایمان دارد که قرآن کتاب خداوند می باشد و آن را به گرامی ترین پیامبران خود حضرت محمد نازل نموده است، همانگونه که کتابهای دیگری را برای پیامبران نازل گردانیده بود. و خداوند به وسیله قرآن احکام و قوانین کتابهایی را که پیشتر نازل گردیده است. منسوخ نموده، همچنانکه به وسیله رسالت حضرت محمد همه رسالتهای پیش از آن را

خاتمه داده است. قرآن کتابگ است که مهمترین و باارزشتین قوانین خداوند را در بر دارد، و خداوند خود کسانی را که به آن تمسک نمایند و پیروی کنند به سعادت دنیا و آخرت وعده فرموده، و کسانی را هم که به رهنمایها و قوانین آن پشت می کنند، به بدبختی و عذاب در دنیا و آخرت مبتلا می گرداند. قرآن تنها کتابی است که خداوند سالم ماندنش را از زیاد و کم و تغییر و تبدیل و ماندگاری آن را تا آخرین لحظه های زندگی بر روی زمین ضمانت نموده است. این مطالب بر مبنای دلایل نقلی و عقلی زیر قرار دارند:

دلایل نقلی :

۱- خداوند در مورد قرآن می فرماید: ( تبارک الذی نزل الفرقان علی عبده لیکونه للعالمین نذیراً) - ( الفرقان : ۱) و الامقام و جاوید است کسی که قرآن ( جدا سازنده حق از باطل) را بر بنده خود (محمد) نازل نموده است تا به جهانیان به وسیله آن هشدار دهد. و می فرماید: ( یا اهل الکتاب قد جائکم رسولنا یبین لکم کثیراً مما کنتم تخفون من الکتاب، و یعفو عن کثیر. قد جائکم من الله نور و کتاب مبین یهدی به الله من اتبع رضوانه سبیل السلام و یخرجهم من الظلمات الی النور یا ذنهی و یهدیهم الی صراط مستقیم) - ( المائده ۱۶-۱۵) ” ای اهل کتاب: پیغمبر ما ( محمد) به میان شما آمده است. بسیاری از چیزهایی را که از کتاب خود پنهان می داشتید برایتان روشن می سازد. از سوی خدا نوری و کتاب روشنگری به نزد شما آمده است. خداوند با آن کسانی را که به راههای امن و امان هدایت می نماید که جویای خوشنودی او باشد و با مشیت و فرمان خود آنان را از تاریکیها ( کفر و جهل) بیرون می

آورد و به سوی نور (ایمان و علم) رهنمایی می کند و ایشان را به راه راست هدایت می نماید.“

۲- پیامبر گرامی در مورد قرآن نازل شده بر خود می فرماید: ” بدانید که کتاب قرآن به من داده شده و همانند آن را نیز به همراه دارد“ و می فرماید: ” بهترین شما کسانی هستند که قرآن را بیاموزند و آن را به دیگری آموزش دهند.“ و فرموده است: ” اگر موسی و عیسی زنده می بودند، تنها راه را در پیروی از من می دیدند“

۳- میلیاردها مسلمان به این حقیقت که قرآن کتاب خداوند و وحی است که برای رسول خدا حضرت محمد آمده ایمان و یقین دارند، و آن را تلاوت و حفظ می نمایند و به احکام و قوانین آن عمل می کنند.

دلایل عقلی :

۱- قرآن : بسیاری از علوم طبیعی و اجتماعی را که در زیر به آنها اشاره می شود، شامل می گردد، و این در حالی است که پیامبر اسلام امی و درس ناخوانده بوده و به هیچوجه در هیچ مدرسه ای آموزش ندیده است.

۱- علوم طبیعی ۲- علوم تاریخی ۳- دانش حقوق و قانونگذاری ۴- علوم جنگی و سیاسی.

اشاراتی که قرآن راجع به آن علوم دارد. دلیلی محکم بر آن است که کلام خدا و وحی اوست. زیرا عقل انسان محال می داند که انسان امی و درس ناخوانده، آنگونه راجع به آن علوم زبان به سخن بگشاند.



۲- خداوند همه انسانها و جنیان را در مورد آوردن همانند قرآن به هموردی می طلبد و می فرماید: « قل لئن اجتمعت الانس و الجن، علی ان یأتو بمثل هذا القرآن لا یأتون بمثله و لو کان بعضهم لبعض ظهیراً» (الاسراء: ۸۸) ” بگو اگر همه مردمان و پریان گرد آیند و متفق شوند، بر اینکه همچون این قرآن را بیاورند نمی توان مانند آن را بیاورند و رانه دهد، هر چند برخی از ایشان پشتیبان و مددکار برخی دیگر شوند.“ همچنین همه فصیحان و سخنوران عرب را فرا خوانده است که اگر می توانند ده یا حتی یک سوره همانند قرآن را سرهم کنند، و در عمل نتوانستند و کاری از پیش نبردند. و این نیز دلیلی بسیار محکم بر آن است که قرآن کلام خداوند است و به هیچ یک از انسانها تعلق ندارد.

۳- خبر دادن قرآن از اخبار غیبی که پاره ای از آنها به همانگونه که قرآن خبر داده بود، به وقوع پیوست.

۴- وقتی که مسلم است خداوند کتابهای دیگری را مانند تورات برای حضرت موسی و انجیل را برای حضرت عیسی نازل نموده، نباید نزول قرآن را از طرف خداوند برای حضرت محمد ” صلی الله علیه و سلم“ انکار نمود. آیا عقل بشری حق دارد و می تواند نزول قرآن محال بشمارد؟ بلکه بالعکس عقل انسان نزول و بودن آن را ضرورتی حتمی بشمار می آورد.

۵- همه پیشگویی های قرآن دقیقاً به همانگونه که بیان گردیده تحقق پیدا کرده اند، و همچنین خبرها و حقایق تاریخی را که بیان نموده است مطابق آن چیزی است که روی داده اند و همچنین احکام و قوانین او در عمل تجربه شده و توانسته اند که امنیت و عزت و

کرامت و علم و عرفان را به ارمغان بیاورند. حکومت خلفای راشدین "رضوان الله علیهم" شاهد صادقی بر این مدعاست. همه آن مطالبی که گفته شدند، دلیل و شاهدهی قوی بر کلام خداوند و وحی بودن قرآن و آمدن آن برای رسول خدا می باشند.

## ایمان به پیامبران

انسان مسلمان به این موضوع ایمان و یقین دارد و که خداوند از میان بندگان خود پیامبرانی را برگزیده و قوانین و راه و رسم خود را برای ابلاغ شدن به مردم و اتمام حجت بر آنان، به آن پیامبران وحی نموده است. به همراه آنان نشانه های آشکاری را فرو فرستاده و به وسیله معجزه از ایشان پشتیبانی نموده است که اولین آنان حضرت نوح و آخرینشان حضرت محمد - صلی الله علیه و سلم - می باشد. آن پیامبران هر چند انسان بوده و بسیاری از امور بشری آنها را نیز شامل می گردیده و برای مثال: غذا خوردن و نوشیدنی می خوردند. بیمار گردیده و بهبودی می یافتند، گاهی چیزهایی را فراموش و گاهی اموری را به خاطر می آوردند و قانون زندگی و مرگ آنان را نیز در بر می گرفت، اما در عین حال کاملترین و گرامی ترین بندگان خداوند بودند. و ایمان هیچکس بجز به وسیله ایمان به آنان کامل نمی گردد، و برای اثبات این امور به دلایل نقلی و عقلی زیر توجه فرمایید.

دلایل نقلی :

۱- خداوند خود در مورد بعثت و رسالت پیامبران می فرماید: « و لقد بعثنا علی کل امه رسولاً ان اعبدوا الله و اجتنوبوا الطاغوت » (النحل: ۳۶) "ما به میان هر ملتی پیامبری را

فرستاده ایم ( و محتوای دعوت پیامبران این بوده است) که خداوند را پرستش و فرمانبرداری کنید و از طاغوت ( شیطان و پستان و ستمگران و...) دوری نمایید و می فرماید: « انا وحینا الیک کما او حینا الی نوح والنبین من بعده و او حینا الی ابراهیم و اسماعیل و اسحاق و یعقوب و الاسباط و عیسی و ایوب و یونس و هارون و سلیمان و آتینا داود زبوراً، و رسلاً قد قصصنا علیک من قبل و رسلاً لم نقصصهم علیک و کلم الله موسی تکلیماً. رسلاً مبشرین و منذرین لئلا یکون للناس علی الله حجه بعد الرسل و کان الله عزیزاً حکیماً) «النسا: ۱۶۳» (ای پیامبر) ما به تو (قرآن و شریعت را) وحی نمودیم و همانگونه که پیش از تو به نوح و پیامبران بعد از وحی کردیم و (همانگونه که) به ابراهیم و اسحاق و یعقوب و نوادگان (او) و عیسی و ایوب و یونس و هارون و سلیمان وحی نمودیم و زبور را به داود

۲- حضرت محمد- صلی الله علیه و سلم- راجع به خود و دیگر پیامبران می فرماید:

” پیامبران ۲۰ هزار نفرند که ۳۱۱ نفر از آنها دارای رسالت بوده اند.“ و می فرماید:

” پیامبری را بر دیگر پیامبران برتری ندهید“

و در مورد ماجرای ”اسراء“ که از رسول خدا نقل می نمایند: همه پیامبران را در بیت المقدس ملاقات فرموده و در اقامه نماز امام آنها گردیده و همچنین در آسمانها یحیی، عیسی و یوسف و ادیس و موسی و ابراهیم را دیده و از مشاهدات خود سخن گفته است.

۳-ایمان و یقین میلیونها نفر از مسلمانان و اهل کتاب اعم از یهود و مسیحیان به پیامبران خداوند و کمال و برتری و برگزیدگی آنان گواهی محکم بر وجود و رسالت پیامبران است.

دلایل عقلی :

۱-لازمه پروردگاری و رحمت خداوند آن است که برای آنکه مردم او را بشناسند، و راه رشد و کمال مورد نظرش را در پیش گیرند، و به سعادت و سربلندی دنیا و آخرت برسند، پیامبرانی را همراه با پیامهایی به میان مردم بفرستد.

۲-اینکه خداوند آفریده ها را برای عبادت و در پیش گرفتن راه و رسم مورد نظر خود

آفریده است و می فرماید: « و ما خلقت الجن و الانس الا ليعبدون » ( الذاریات: ۵۶ ) ” جن و

انسان را جز برای عبادت و فرمانبرداریم نیافریده ام“.

به همین خاطر فرستادن پیامبرانی برای آنکه به مردم بیاموزند که چگونه خداوند را عبادت و فرمانبرداری نمایند، کاری لازم و ضروری است.

۳-اینکه پاداش و عذاب دست آورد طبیعی اطاعت و معصیت هستند، و اطاعت و معصیت و

پاکی ناپاکی نفس انسان ارتباط دارد، موضوعی است که آمدن پیامبران را لازم و سرنوشت

ساز می نماید. برای آنکه در روز قیامت مردم ادعا نکنند که : خداوند ما نمی دانستیم چگونه

تو را عبادت و فرمانبرداری نمایم، و نمی دانستیم گناه و معصیت چه هستند تا از آنها دوری

کنیم. و در مورد سختی این روز فکر نمی کردیم، خداوند ما را دچار عذاب مگردان! و در

این صورت آنان برای خود حجت و دلایلی را در اختیار می داشتند. همین موضوع زمینه ساز بعثت پیامبران و راهنماییهای خداوند می باشد. خداوند متعال می فرماید:

« رسلاً مبشرین و مذرین لثلا یكون للناس علی الله حجه بعد الرسل و كان الله عزیزاً حکیماً » (النساء: ۱۶۵) ”پیامبرانی که برای (اهل ایمان) بشارت دهنده و (برای اهل کفر) بیم دهنده اند، تا پس از آمدن پیامبران برای مردم نزد خداوند حجت و بهانه ای باقی نماند، و خداوند چیره است و کارهایش بجا و به موقع می باشد“

## گردآوری قرآن

نخستین مرحله جمع قرآن، نگهداری و حفظ آن در سینه ها بود، و این مرحله از شخص پیامبر (ص) آغاز می گشت.

همه همت رسول خدا بر آن گماشته بود که خود، قرآن را فراگیرد و حفظ کند، سپس آن را با درنگ و تأنی بر مردم به خواند تا آنان نیز فرا گیرند و حفظ کنند و بدان عمل کنند و به آیندگان بسپارند.

از اینجا بود که پیامبر جامع قرآن گشت در قلب شریفش، و سید حافظان شد در عصر خود، و مرجع مسلمانان در هر چه می خواستند از کار قرآن و علوم قرآنی، گشت.

او پیوسته بر تلاوت آیات قرآنی مداومت داشت، و لذا تا آخرین لحظه حیات پربرکتش همه قرآن را تمام و کمال به حافظه داشته و خود پیشوای به حق قاریان قرآن بود.

تا اینکه رسول خدا (ص) برای اذن بین نرفتن قرآن، فرمان داد آموزش قرآن همه گیر شود. خود رسول خدا (ص) هر شب در حلقه یارانش در مسجد حاضر می شد و به قرائت آنها گوش فرا می داد و میزان حفظ آنها و اصول قرائتشان را بررسی می کرد و آنها را اصلاح می نمود.

نوشتن:

مرحله بعد، نوشتن قرآن کریم بود.

پیامبر اکرم (ص) کسانی را برای کتابت وحی مأمور فرموده بود. این نویسندگان از برگزیدگان اصحاب بودند، و آنان چنانکه پیامبر دستور می داد وحی را می نوشتند، و خود آن حضرت نظارت دقیقی بر کار نویسندگان وحی داشت.

نویسندگان وحی دهها نفر بودند که نام آنها در تاریخ ثبت و ضبط است.

نحوه نوشتن وحی چنین بود که هر گاه آیه ای نازل می شد پیغمبر کسی یا کسانی از نویسندگان وحی را احضار نموده و دستور نوشتن می فرمود. نویسندگان با دقت و ضبط می نوشتند و بر پیامبر می خواندند.

نویسندگان وحی، آیات قرآن را بر روی هر چه می توانستند می نوشتند. بر پارچه، پوست، چرم قرمز، پوست نازک و کاغذ به وسیله مرکب و قلم می نوشتند و اینها مواردی است که قرآن کریم به آن اشاره فرموده است.<sup>۱</sup>

نام عده ای از اصحاب رسول (ص) در ردیف گردآورندگان قرآن کریم ذکر شده که ذکر تمامی آنها و جزئیات کارشان موجب طولانی شدن بحث می شود و علاقمندان می توانند به کتب تفصیلی مراجعه کنند<sup>۱</sup>.

روی هم رفته می توان گفت نخستین کسی که پس از رحلت پیامبر اکرم (ص) همت به جمع قرآن گماشت و آن را برای حفظ از هر دگرگونی گردآورد، علی بن ابیطالب (ع) بود. این بود مختصری از تاریخ ثبت و ضبط و کتاب و جمع آوری قرآن مجید در صدر اسلام.



## اسباب نزول

### ۱- حوادث و رویدادها

سبب نزول بعضی از سوره ها و آیات قرآنی حوادث و رویدادهای مهم بوده است.

این حوادث به دو دسته تقسیم می شود:

الف - حوادث سازنده و الگوپرداز

ب - حوادث و رویدادهای زشت و ویرانگر

الف - حوادث سازنده :

بخشی از حوادث و رویدادهایی که همزمان با حیات رسول اکرم (ص) به وقوع می پیوست آنچنان جالب و سازنده و با ارزش بود که در جهت تأیید آنها از سوی خدا، آیه یا آیات و یا سورهایی نازل می شد.

جریان انگشتر دادن حضرت علی (ع) در حال رکوع به فقیر و نزول آیات ۵۵ و ۵۶ سوره مائده.

و جریان انگشتر دادن حضرت علی (ع) و اهل بیتش و نزول آیاتی از سوره هل اتی (انسان) ب - حوادث ویرانگر:

پاره ای از این حوادث عبارت از خصومتی بود که میان مردم پدید می آمد و یا حادثه ای زشت و ویرانگر که ایجاد می شد. مثل جریان دسیسه و فتنه انگیزی یهودیان در بین مسلمین، و نزول آیات ۱۰۰ و ۱۰۱ سوره آل عمران.

و لغزش و اشتباه فاحش بعضی از مردم مثل جریان امامت شخصی در حال مستی بر مردم و

نزول آیه ۴۳ سوره نساء

و خنثی سازی جریان مسجد ضرار و ترفندهای منافقین، و نزول آیه ۱۰۷ سوره توبه.

۲- پرسشهای مردم

بعضی از آیات در پی پرسشهای مردم از رسول اکرم (ص) درباره مسائل مختلف بود.

این مسائل که نزول آیات قرآنی را در پی داشت به سه بخش تقسیم می شود:

الف - پرسشها مربوط به مطالبی بود که دوران آنها سپری شده و با گذشته پیوند داشت.

مانند سؤال از جریان ذی القرنین، که آیات ۸۳ تا ۹۱ سوره کهف در پاسخ آن نازل شد.

ب - پرسشها با مسائل روز ارتباط داشت. مثل سؤال از مسئله «روح» که آیه ۸۵ سوره اسراء

در پاسخ آن نازل شد.

ج - پرسشها به آینده مربوط می شد. مانند سؤال مشرکین مکه از پیامبر اکرم (ص) درباره

زمان و لحظه وقوع قیامت، که آیه ۱۸۷ سوره نازعات در پاسخ آن نازل شد.

پاسخ این پرسشها گاهی بلافاصله نازل می شد، و گاهی نزول پاسخ (به جهت غرض و

حکمتی) به تعویق می افتاد!

۳- مشخص کردن موضع

بسیاری از آیات در قرآن کریم، وظیفه امت اسلامی را در مواقع حساس مشخص می کند و

سبب نزول آنها، آگاهی مسلمین به وظائف خود بوده است.

مثل آیات لعان، قذف و امثال آن که درین آیات قرآن کریم، رقم بالایی را دارد<sup>۱</sup>.

## جمع بندی و نتیجه گیری:

بنابر آنچه که گذشت نتیجه می گیریم که قرآن مجید قانون اساسی ما و سنگ بنای تمدن اسلامی است حتی صاحب نظران بی غرض بیگانه، به این باور رسیده اند که در فرهنگ بشری، کتابی فرهنگ آفرینی و زندگی ساز تر از قرآن وجود ندارد. همچنین هیچ کتابی اعم از کتب مقدس یا کتب دیگر نیست که تاریخی به قدست و در عین حال تاریخچه ای به روشنی قرآن داشته باشد. امروز حتی اسلام شناسانی که رقیبانه یا به ندرت خصمانه به فرهنگ اسلام و تاریخ قرآن می نگرند، به این حقیقت که قرآن بدون کم و کاست همان است که در زمان حیات پیامبر اسلام توسط کانیان وحی با ابراز ساده و ابتدایی آن زمان نوشته شده و طی مراحل بعد، به کشورها و؟؟ فرهنگی مهم جهان اسلام ارسال شده است، اذعان دارند. آری، قرآن مجید سر منشاء و سرچشمه اغلب علوم و معارف اسلامی است. قرآن کریم غیر از آنکه وحی نامه الهی است، کهن نیز می بستد تاریخی اسلام نیز به شمار می آید و در شناساندن سیره نبوی، تاریخ صدور اسلام، غزوات و تحولات مربوط به تکوین اسلام، قدیمی ترین منبع است. قرآن مجید با بیان بهترین داستانهای دنیا، توصیه های بسیار به فضایل اخلاقی و نهی از رذایل اخلاقی، اساس اخلاق و حکمت عملی را بنیان می دهد و خود یک رساله اخلاقی متعالی است.

تمام مسلمین معتقدند، قرآن کریم بر پیامبر اسلام نازل شده و او مفسر و مبین حقیقی قرآن می باشد. و این مفسر بزرگوار می فرماید: «قرآن و عترت من از یکدیگر جدا شدنی

نیستند، و مادامی که امت اسلامی به این دو امانت گرانقدر تمسک جویند، گمراه نخواهند شد» و معصومین علیهم السلام نیز در پاسخ اصحاب فرموده اند: «هرگاه در فهم معانی قرآن، با اشکال مواجه شدید، از آل محمد (ص) پرسید<sup>۱</sup> و سخن را با این فرمایش مولا علی (ع) درباره قرآن به پایان می بریم که می فرماید: «بدانید که این قرآن، همان خیر خواه و نصیحت گویی است که در آن فریب و خیانت راه ندارد. راهنمایی است که جز به راه راست و درست نمی رود و خبر دهنده ای است که دروغ نمی گوید. هیچ کس با این قرآن نشست، جز اینکه چیزی به او افزوده و چیزی از او کاسته گردید. و بدانید که پس از قرآن به هیچ راهنمایی نیازی لانده و پیش از قرآن، هیچ کس از هدایت بی نیاز نبوده است. پس درمان دردهای خود را در آن بجوید و در سختی هایتان از آن کمک بخواهید. زیرا در این قرآن، شفای بزرگترین دردها که همان کفر و نفاق و تباهی و گمراهی است، وجود دارد»

( نهج البلاغه - خطبه ۱۷۵ )

## منابع و مأخذ:

دانستنیهای قرآن / مصطفی اسرار

دانستنیهای قرآن / سید مهدی شمس الدین

عجایبی از قرآن / بهمن نیک بین

قصه های قرآنی / محمد مهدی اشتهاوردی

اسباب نزول / محمد باقر حجتی

نهج البلاغه

[www.kandoo.cn.com](http://www.kandoo.cn.com)

[www.kandoo.cn.com](http://www.kandoo.cn.com)

[www.kandoo.cn.com](http://www.kandoo.cn.com)